

نقش و تاثیر قوانين بين الملل در تدوين حقوق شهروندى ايران

سمانه خليليان اشكدرى^۱، على اشرفيان^۲

۱. کارشناس ارشد برنامه ریزى شهری و کارشناس حقوق، دانشگاه آزاد اسلامى واحد بابل، ایران

۲. کارشناس ارشد حقوق بين الملل، دانشگاه آزاد اسلامى واحد قائم شهر، ایران

چکیده

يکى از موضوعات مطرح در حقوق، بحث حقوق شهروندى است که از مباحث مهم نظام‌هاى دينى و غير دينى است. حقوق شهروندى، منعکس کننده آرمان جهانى عدالت و جامعه‌اى است که در آن هر انسانى بتواند از زندگى شرافتمندانه همراه با صلح، امنيت و رفاه برخوردار گردد. اين حقوق توانان با پيدايش انسان بوده و با وجود او به وجود آمده است چرا که انسان موجودى است که کرامت خویش را از آفریدگار به ارمغان گرفته است. جایگاه حقوق و امتيازات شهروندان از مولفه‌هاى مهم اجتماعى، سياسى و حقوقى دولت مدرن در جهان معاصر است. وقوع انقلاب در هر جامعه‌اى همراه با تحولات بنيادين و تغييرات سريع در آن جامعه است. انقلاب اسلامى هم با پيروزى خود ساختارها، ارزش‌ها و تعاريف جديدى از موضوعات و مفاهيم حقوقى عرضه کرد. يکى از اين موضوعات مطرح شده حقوق شهروندان بود. به همين دليل در اين پژوهش سعى بر اين است تا به بررسى نقش و تأثير قوانين بين الملل در تدوين حقوق شهروندى ايران پردازيم. بنا بر اين سوال اين است که قوانين بين المللى تا چه حدى بر قوانين حقوق شهروندى در ايران تأثيرگذار بوده‌اند؟ روش تحقيق در اين پژوهش توصيفى - تحليلى است و تحقيق نشان‌دهنده آن است که قوانين حقوق شهروندى در ايران در اکثر موارد منطبق با قوانين بين المللى بود و از آنها تأثير گرفته‌اند.

واژه‌هاى کلیدى: حقوق شهروندى، قوانين بين الملل، شهروند، حقوق سياسى، حقوق اجتماعى

۱. مقدمه

مفهوم شهروندی از جمله مفاهیم جدید می‌باشد که به طور تخصصی به یکسان بودن و عدالت توجه دارد و در نظریه‌های اجتماعی، سیاسی و حقوقی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. مقوله «شهروندی» وقتی تحقق می‌یابد که همه افراد یک جامعه از کلیه حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشند و همچنین به فرصت‌های مورد نظر زندگی از حیث اقتصادی و اجتماعی دسترسی آسان داشته باشند. ضمن اینکه شهروندان به عنوان اعضای یک جامعه در حوزه‌های مختلف مشارکت دارند و در برابر حقوقی که دارند، مسئولیت‌هایی را نیز در راستای اداره بهتر جامعه و ایجاد نظم بر عهده می‌گیرند، و شناخت این حقوق و تکالیف نقش مؤثری در ارتقاء شهروندی و ایجاد جامعه‌ای بر اساس نظم و عدالت دارد. (دیلیم صالحی، ۱۳۹۳: ۹۲)

از زمان قدیم، اندیشمندان سیاسی درباره ارتباط صحیح میان فرد و دولت بحث داشته‌اند. این رابطه در یونان باستان در گمانه «شهروند» به معنای عضو دولت بودن عینیت یافته بود. در دولت - شهرهای یونان شهروندی به صورت حق شرکت در زندگی سیاسی - اجتماعی و در صورت انتخاب شدن، احساس تکلیف برای عهده دار شدن بار مسئولیت مقام عمومی بازتابیده بود؛ اما این حق به افراد کمتری که در این حکومت یا دولت‌ها زندگی می‌کردند و در حقیقت به مردمان آزاد و دارای حق مالکیت محدود شده بود، اما در مقایسه مفهوم جدید شهروندی بر اصل حقوق و تکالیف همگانی مبتنی است. (هیوود، ۱۳۹۳: ۲۷۹)

به همین دلیل میان حقوق، تکالیف و مسئولیت‌های شهروند ارتباط مستقیم و چندسویه‌ای وجود دارد. مکاتب و آیین‌های فکری مختلف با توجه به بیش جهان بینی و زاویه دیدی که به جهان، انسان و زندگی دارند، برداشت‌ها و نظریات متفاوتی ارائه می‌دهند.

در نظام‌های سیاسی مختلف بر اساس وجود، هدف‌ها، ارزش‌ها، پارادایم‌های متفاوتی، برای حقوق شهروندی به رسمیت شناخته شده است و تعریفی ویژه از حقوق شهروندی ارائه داده شده است. از دید بسیاری از صاحب‌نظران، نگاه تدوین‌کنندگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به مقوله حقوق شهروندی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی از یک سو و قوانین بین‌المللی شناخته شده در دنیای امروز از سوی دیگر بوده است.

بنابراین به طور کلی حقوق بشر و به طور جزئی حقوق شهروندی در اصول حقوقی اسلام و حکومت‌های مردم سالار شناخته شده در دنیا از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. با توجه به اینکه انسان به خودی خود در اسلام و نظام‌های مردم سالار از ارزش والایی برخوردار است، مولفه‌های حقوق شهروندی در این دو نظام دارای اشتراکاتی است. در این ارتباط، نظام جمهوری اسلامی در ایران که بر محورهای اسلام و مردم سالاری استوار شده، از اصول و مولفه‌های هر دو در تدوین قانون اساسی خود بهره گرفته است. به رغم این

1. Justice
2. Citizenship

مزیت، نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران کامل و بدون نقص نیست. زیرا چالش‌ها و کاستی‌های موجود در مسیر احقاق حقوق شهروندان، در موارد گوناگون، ضعف ساختارهای حقوقی و همچنین مصداق‌هایی از اجرا نشدن کامل مفاد قانون اساسی را در طول سالیان گذشته نمایان ساخته است.

بنابراین هدف این مقاله بررسی نقش و تاثیر قوانین بین الملل در تدوین حقوق شهروندی ایران می‌باشد به همین دلیل برای بررسی این موضوع از روش توصیفی - تحلیلی استفاده می‌شود. برای بررسی این موضوع این مقاله ابتدا به تعاریف و مبانی نظری حقوق شهروندی می‌پردازد. سپس حقوق شهروندی در غرب و ایران را مورد بررسی قرار خواهیم داد و سپس قوانین بین المللی را در قبال حقوق شهروندی مورد جستجو قرار می‌دهیم، در این قسمت سعی خواهد شد تا با بررسی اعلامیه حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و اعلامیه اسلامی حقوق بشر به عنوان نمونه، تاثیر حقوق شهروندی ایران نسبت به قوانین بین المللی را مورد بررسی قرار داد و در نهایت به نتیجه گیری می‌پردازیم.

۲. ادبیات تحقیق

در این بخش ابتدا به تعریف مفاهیم اصلی پرداخته و سپس مبانی نظری در خصوص حقوق شهروندی را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۲-۱- تعریف مفاهیم

الف- شهروند: شهروند در ادبیات ما واژه‌ای نو به حساب می‌آید به طوری که حتی در فرهنگ‌های عمومی مثل فرهنگ معین و عمید این واژه مطرح نشده است. در ترمینولوژی حقوق دکتر لنگرودی نیز ذکری از کلمه شهروند به میان نیامده است.

واژه شهروند از شهر ریشه می‌گیرد و سیتی از واژه لاتین لوتیاس مشتق شده است. لوتیاس تقریباً معادل پلیس در زبان و فرهنگ یونانی است. بنابراین شهر تنها مجمعی از ساکنین یک منطقه معین نیست بلکه مفهوم سیاسی مستقلی را افاده می‌کند. (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۲: ۳)

از این رو، شهروند فقط به ساکن یک شهر گفته نمی‌شود بلکه معنایی فراتر از آن را به همراه دارد، شهروند ضمن این که ساکن شهر است در سازماندهی شهر و تدارک و تنظیم قواعد زندگی در شهر و تدوین قانون حاکم بر شهر و مملکت نیز مشارکت دارد. (نوابخش، ۱۳۸۵: ۱۶)

ظاهراً اولین فرهنگ فارسی به فارسی که کلمه شهروند را تعریف کرده است فرهنگ فارسی امروز است؛ در این فرهنگ شهروند به کسی که اهل یک کشور باشد و از حقوق متعلق به آن برخوردار باشد «شهروند» گفته می‌شود. (صدر افشار، ۱۳۸۱: ۱۲۵)

1. Citizen
2. city

در فرهنگ علوم سیاسی شهروند چنین تعریف شده است: کسی که از حقوق مدنی^۱ یا امتیازات مندرج در قانون اساسی یک کشور برخوردار است. واژه سیتی زن که ریشه رومی دارد، در فارسی به شهروند، تبعه، همشهری، هم وطن، شارمند، شهرتاش، و انسان عضو اجتماع ترجمه شده است. (آقا بخشی، ۱۳۸۹: ۴۶)

در روم قدیم اتباع کشور را به دو دسته تقسیم می کردند. شهروندان یعنی رومیان اصلی که از حقوق و مزایای بیشتری برخوردار می شدند و رعایا یعنی اقوام و ملل دیگر که تحت تسلط و حکومت رومیان قرار داشتند. (رضایی پور، ۱۳۸۵: ۱۱)

امروزه تفکیک بین و دسته از اتباع که دارای حقوق متفاوتی باشند از میان رفته است و از این رو می توان کلمه سیتی زن را به تبعه نیز ترجمه کرد. با این وصف اگر چه واژه های شهروند و تبعه بیانگر مفهومی واحد- یعنی عضو یک کشور بودن- هستند، ولی معمولاً تابعیت جنبه خارجی و بین المللی و شهروندی جنبه داخلی و ملی آن عضویت را در نظر دارد. در ایالات متحده امریکا، شهروند که اخص از تبعه است به فردی اطلاق می شود که از حقوق مدنی و سیاسی کامل برخوردار باشد و تبعه علاوه بر شهروند بودن نسبت به آن کشور وفاداری دائم دارد. با توجه به تعریف ها و گوناگونی شهروندی به نظر می رسد که بهترین تعریف آن است که پیرمندس فرانس- نخست وزیر پیشین فرانسه- به دست داد: شهروندی کسی است که تصمیم درباره ساماندهی سرنوشت خود و جامعه خود را به دیگری واگذار نمی کند. (رمضانی، ۱۳۸۹: ۲۱)

ب: حقوق شهروندی؛ «حقوق شهروندی» مجموعه حقوقی است برای اتباع کشور در رابطه با مؤسسات عمومی مانند: حقوق اساسی، حق استخدام شدن، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، حق گواهی دادن در مراجع رسمی، حق داوری و مصدق واقع شدن؛ بنابراین واژه مذکور از حقوق سیاسی است. (محسنی، ۱۳۹۴: ۳۷)

در تعریفی دیگر آمده است: «حقوق شهروندی مجموعه مقررات و قوانینی است که در ابعاد حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و قضایی جهت اتباع یک کشور به طور یکسان در نظر گرفته شده و این افراد در مقابل، مکلف به مساعدت مسئولانه در برابر جامعه سیاسی خود (دولت) هستند. در واقع حقوق شهروندی روایتی است تازه از حقوق طبیعی، یعنی حقی است که لازم و ملزوم طبیعت انسانی است به عبارت بهتر به واسطه حیثیت انسانی و به جهت کرامت ذاتی که خاص اوست دارای یک سلسله حقوق و آزادی هایی شده از قبیل حق حیات، حق احترام، حق آزادی، حق مساوات و حق امنیت و...» (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۲: ۵)

در کشور ما مسلمان بودن شرط برخورداری از حقوق شهروندی نیست. در واقع حق شهروندی به اعتبار تابعیت برقرار می شود. بنابراین این تعریف واقعیت است که «حقوق شهروندی» یک مفهوم نسبتاً وسیعی

1. Civil Rights
2. Citizenship rights

است که شامل حقوق سیاسی و غیرسیاسی (حقوق مدنی و بهره مندی های فردی و اجتماعی که دارای صبغه سیاسی نیستند) می باشد. از این رو می توان گفت که «حقوق شهروندی» شامل هر سه نسل حقوق بشری که در سطح دکترین مطرح شده اند می باشند. این سه نسل شامل حقوق مدنی و سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و حقوق هم بستگی می باشند.

۲-۲- چارچوب نظری

می توان بین سه سنت نظری مربوط به شهروندی تفکیک قائل شد:

اولین سنت، نظریه تی. اچ. مارشال است؛ در واقع، معروف ترین نظریه شهروندی از سوی او مطرح شده است. در نظریه مارشال، سه عنصر مدنی، سیاسی و اجتماعی با یکدیگر مرتبط می باشند. او سه دسته عنصر حقوق شهروندی را از یکدیگر متمایز می کند که با گذشت زمان توسعه یافته اند: حقوق و در مقابل تعهدهای سازمانی (مثل حق رأی)، حقوق آزادی مدنی (که از جانب دادگاه ها محافظت می شوند) و حقوق مشارکت و تأمین عدالت اجتماعی که در مرکز توجه دولت رفاه قرار گرفته اند. (روشن، ۱۳۹۳: ۱۱۵)

دومین سنت، رهیافت دورکیم / توکویل در فرهنگ مدنی است که بحث «فضیلت مدنی» را سر لوحه کار خود قرار می دهد. این سنت در جمهوری فرانسه نمود قابل توجهی به خود می گیرد و به «سنت جمهوری شهروندی» مشهور شده است. هر دو دیدگاه مذکور با عنوان های «نولیبرالی» و «نوفضیلت گرایی» تداوم یافته اند. (روشن، ۱۳۹۳: ۱۱۵)

آخرین سنت نظری شهروندی، مفاهیم جدیدی چون مردم سالاری، جنبش های اجتماعی، جامعه مدنی، ارتباط مردم سالارانه و کنش ارتباطی را مورد توجه قرار می دهد. این رهیافت جدید، با توجه به تلاش صاحب نظرانی همچون ترنز و هیتز که مباحث شهروندی فرهنگی و شهروندی اجتماعی را مطرح کرده اند. در این مقوله تعریف می شود باید اذعان کرد که رهیافت سوم بر اساس انتقادهای وارد به شهروندی دولت، محور مارشال و فضیلت مدنی جامعه محور دورکیم شکل گرفته است. (ربانی خوراسگانی و کیانپور، ۱۳۸۶: ۱۲-۱۳)

۳. یافته های تحقیق

حقوق شهروندی آمیخته ای است از وظایف و مسوولیت های شهروندان در قبال یکدیگر، شهر و دولت یا قوای حاکم و مملکت و همچنین حقوق و امتیازاتی که وظیفه تأمین آن حقوق بر عهده دولت یا به طور کلی قوای حاکم می باشد. به مجموعه این حقوق و مسوولیت ها، حقدوق شهروندی اطلاق می شود. با این

1. social justice
2. The welfare state
3. Social movements

شرایط در ادامه سعی بر این است تا ابتدا حقوق شهروندی در غرب و سپس در ایران مورد بررسی قرار گیرد.

۳-۱- تاریخچه حقوق شهروندی

در این بخش سعی بر این است تا به بررسی تاریخچه حقوق شهروندی بپردازیم به همین دلیل ابتدا تاریخچه حقوق شهروندی در غرب را بررسی می‌کنیم و سپس تاریخچه حقوق شهروندی در ایران را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۳-۱-۱- ریشه های مفهوم حقوق شهروندی در غرب

حقوق شهروندی یکی از اصول فکری دموکراسی و مفاهیم‌های اصلی زندگی دموکراتیک به شمار می‌رود. کلمه شهروند از حقوق یونان قدیم است که در ارتباط با ساکنین یونان مورد استفاده بود، و دارای دو درجه بوده، یکی شهروند درجه یک که به ساکنان اصلی یونان و شهروند درجه دو به بزرگان و دیگر افرادی که یونانی نبوده‌اند اما ساکن یونان بوده‌اند اطلاق می‌شد. تعریف شهروندی از دولت شهرهای یونان باستان ارتباط فرد به هر دولت شهر بوده است. شهروندان دولت شهرهای یونان خود را با فضیلت‌ترین انسانها نسبت به سایر اقوام می‌دانستند و ملت‌های دیگر را وحشی خطاب می‌کردند؛ ولی با تشکیل اجتماعات مختلف و اعطای شهروندی به آنها از ادعای برتری خود عقب‌نشینی کردند و حقوق دیگران را به رسمیت شناختند. مفهوم شهروندی در یونان باستان به معنی داشتن حقوق و تکالیف یکسان نزد قانون و نیز مشارکت در امور سیاسی و عمومی جامعه وجود داشت. حقوق شهروندان اساس تفکر متفکران دوران رنسانس را تشکیل داد و در نظر آنان انسانیت فرد تنها به عنوان شهروند برخورد از حقوق خود در جامعه آزاد تحقق می‌یابد (بشیریه، ۱۳۸۶: ۲۲۶)

جنگی که در سال ۱۲۱۴ میلادی بین انگلستان و فرانسه صورت گرفت که نتیجه این جنگ باعث شکست انگلیس و صدور منشور کبیر یا ماگناکارتا بود که این منشور نقطه عطفی در تحولات سیاسی و اجتماعی است؛ در بندهای این منشور به آزادی سیاسی و اجتماعی پرداخته و همچنین گرفتن هرگونه مالیات منع مگر به اجازه شورای عمومی که آن را تأیید کرده باشد و هیچ فردی از دو موهبت محروم نسازد، هیچ آزاد مردی نباید بازداشت، زندانی، تبعید و محروم از حقوق اجتماعی و... گردد مگر به حکم مشروع. (حسینی، ۱۳۸۵: ۲۶)

در اوایل قرن ۱۹ دموکراسی کمکم رو به ترقی و توسعه نهاد و سرانجام سبب شد تا مفهوم شهروند که متضمن حقوق فرد در برابر رژیم است جای رعیت را که آمیزه‌ای از الزام و تبعیت بود بگیرد؛ در این زمان

حقوق شهروندی امری نبود که تابع اراده سلاطین و امپراتوران باشد که یکی بدان معتقد باشد و در ایجاد و ارتقای آن تلاش کند و دیگری بدان بی‌علاقه و بی‌اعتماد باشد. (بشیریه، ۱۳۸۶: ۲۲۷)

لازم به ذکر است که مفهوم شهروندی در جهان امروز از جهات مختلف مورد تهدید قرار گرفته است؛ یکی تأکید فزاینده دولت‌های ملی بر هویت‌های قومی، ملی، هویت افراد را به عنوان شهروند و در یک جامعه دموکراتیک محدود می‌سازد و جهانی شدن نیز که آثار خود را در ابعاد مختلف به صورت روزافزون نمایان می‌سازد؛ باعث محدود نمودن دولتهای ملی در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، حقوق اجتماعی و غیره گردیده است و چارچوبی را به عنوان حقوق بشر برای ترسیم مفهوم شهروندی و تعیین حقوق مربوط به آن تخمین نمود.

۲-۱-۳- ریشه‌های حقوق شهروندی در ایران

درباره حقوق شهروندی در ایران باستان بایستی عنوان نمود که اعتقاد بسیاری از مورخین و محققین، نخستین و قدیمی‌ترین سند تاریخی در زمینه حقوق بشر فرمان کورش کبیر از فتح بابل است. (شیروانی، ۱۳۸۷: ۱۹)

اما اگر بخواهیم حقوق شهروندی در ایران پس از اسلام را بنگریم متوجه می‌شویم؛ که ایران یکی از کشورهای متمدن بوده که تأثیرگذاری آن بر ممالک اسلامی دیگر کشورهای جهان بر کسی پوشیده نیست. اعراب پس از انقراض دولت ساسانی در ایران، خود را با یک تمدن کهنسال و ریشه داری روبه رو دیدند و از ایرانیان فنون زیادی اقتباس کردند اما تأثیر اعراب بر ایرانیان فقط در پذیرش دین اسلام و نظام‌های اجتماعی بود. در این دوران حقوق شهروندی تابعی از اندیشه سیاسی حاکمان بود. منهای دوران رسول خدا (ص) در بخش اعظم پس از حکومت خلفای راشدین جامعه اسلامی به صورت رجعتی به سوی اندیشه‌های جاهلی داشت و دربار معاویه بیش از آنکه دارالخلافه نماینده رسول الله باشد محلی برای برتری‌طلبی قوم عرب بود (حسینی، ۱۳۸۵: ۳۷)

در مورد حقوق شهروندی در دوران معاصر نیز می‌توان گفت قبل از انقلاب مشروطه^۱ ایرانیان، حقوق شهروندی مدون و منقحی در ایران وجود نداشت. البته فقدان حقوق مدون به معنای فقدان حقوق شهروندی نبوده است. در ایران از دیر باز اقلیت‌های مختلف مذهبی و قومی روزگار می‌گذراندند و اقلیت‌های مذهبی در احوال شخصیه نیز تابع مقررات و آئین دینی خود بودند. به دنبال انقلاب انقلاب مشروطه، ایران برای نخستین بار صاحب قانون اساسی^۲ مدون گردید. قانون اساسی مشروطه به عنوان میثاقی میان دولت و ملت، قدرت مطلق پادشاه را محدود می‌ساخت. در متمم قانون اساسی مشروطه که در سال

1. Constitutional Revolution
2. Constitution

۱۳۲۵ هجری قمری به تأیید نهایی رسید در فصلی با عنوان «حقوق ملت» مهمترین حقوق فردی و شهروندی در هجده اصل (اصول ۸ تا ۲۶) مورد تأکید قرار گرفت که اولین سند و سنگ بنای رسمی حقوق بشر مدرن در کشور ایران می باشد که همراه با پاره‌ای اصول دیگر، حقوق متنوعی را برای مردم پیش بینی نموده است. (احمدی طباطبایی، ۱۳۸۸: ۹)

قواعدی که بر اساس حکومت و صلاحیت قوای مملکت و حقوق و آزادی‌های فردی حاکم است. از نظر ماهوی قانون اساسی نام دارد و از سایر قواعد حقوقی دارای برتری است. در اغلب حکومت های آزاد، به خاطر نگهداری اساس حکومت و جلوگیری از تجاوز دولت‌ها به پیمانی که روابط بین آنها و ملت را تنظیم می‌کند، برای قوانین اساسی احترام و حیثیت خاصی قائلند و آنها را از سایر قوانین متمایز ساخته‌اند. با مرور زمان و بسط روابط میان افراد و دولت از راه توسعه فعالیت‌های حکومت، حق‌های جدیدی در عرصه حقوق عمومی ظاهر می شود که ممکن است در قانون اساسی به صراحت ذکری از آنها نرفته باشد، ولی عدم ذکر آنها در قانون اساسی موجب محرومیت مردم از این حقوق نمی‌شود. (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۷۳)

۲-۳- بررسی قوانین حقوق شهروندی در ایران

پراکندگی موضوعات در بحث حقوق شهروندی در ایران بسیار زیاد می باشد اما با مطالعات صورت گرفته به این نتیجه می‌رسیم که محتوای قانون اساسی در رابطه با حقوق شهروندی به ۳ دسته تقسیم می‌شود. حقوقی که بدون قید و شرط حق همه افراد جامعه شناخته می‌شود که بیشترین اصول (۱۶ اصل) به حقوق شهروندی مربوط می‌شود، مانند تامین امنیت قضایی عادلانه شهروند، مسکن، انتخاب شغل. قوانینی است که در متن اصل قانون مقید و محدود شده که قید حکم به قانون تعیین گردیده است (۷ اصل) «تبعید ممنوع است، مگر به حکم قانون»

قوانینی است که ناظر بر (حقوق مشروط) شهروندان است که در متن قانون لحاظ شده است مانند عدم اطلاع به مبانی اسلام، عدم نقض، استقلال، آزادی، وحدت ملی و موازین اسلامی، عدم مخالفت با اسلام و مصالح عمومی و حقوقی دیگران.

همچنین حقوق شهروندی در قانون برنامه چهارم اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی که توسط جمهوری اسلامی ایران از تاریخ اول فروردین ۱۳۸۴ لازم الاجرا شده است نیز دیده می‌شود. به موجب این قانون دولت موظف است به منظور ارتقای حقوق انسانی، استقرار زمینه‌های رشد و تعالی و احساس امنیت فردی و اجتماعی در جامعه و تربیت نسل فعال، مسئولیت پذیر، ایثارگر، مومن، رضایتمند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط با روحیه تعاونی و سازگاری، اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن، منشور حقوق شهروندی را مشتمل بر محور های ذیل تنظیم و تصویب نماید:

– تامین آزادی و صیانت از آرای مردم و تضمین آزادی، در حق انتخاب شدن و انتخاب کردن

– حفظ و صیانت از حریم خصوصی افراد

— هدایت فعالیتهای سیاسی، اجتماعی به سمت فرآیندهای قانونی و حمایت و تضمین امنیت فعالیتها و اجتماعات قانونی

— ترویج مفاهیم وحدت آفرین و احترام آمیز نسبت به گروههای اجتماعی و اقدام مختلف در فرهنگ ملی

— تامین آزادی و امنیت لازم برای رشد تشکلهای اجتماعی در زمینه صیانت از حقوق کودکان و زنان

— ارتقای احساس امنیت اجتماعی در مردم و جامعه

— پرورش عمومی قانون مداری و رشد فرهنگ نظم و احترام به قانون و آیین شهروندی.

— وابستگی و تعلق خاطر شهروندان به حقوق و آزادیهای خود و مقابله با اعمال فشارهای حکومتی، عاملی موثر در پایداری و حفظ حقوق آنها در جامعه می باشد. قوانین اساسی کشورها، از جمله قوانین اساسی کشور ما، به ویژه در اصل ۲۶ یا به رسمیت شناختن تشکیل و فعالیت احزاب و جمعیتها که ناشی از اوصاف اجتماع پذیری انسانها می باشد، شهروندان را قادر می سازد تا اشخاصی که دارای تمایلات مشترک فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و... هستند، در کنار یکدیگر قرار گرفته و به عنوان یک توده نیرومند، با حاضر شدن در صحنه های مختلف در احقاق حقوق و آزادیهای خود در محیط سایر در تلاش و تکاپو باشند.

همچنین به موجب اصل ۲۷ قانون اساسی در هنگام بیان مطالبات یا اعتراضات یا دفاع از حقوق خویش با تشکیل نهادهای مدنی و راهپیمایی های قانونی به جلب افکار عمومی و رعایت و حفظ حقوق قانونی را به نمایش می گذارند.

بحث دیگر را در این زمینه می توان در چارچوب لایحه حقوق شهروندی و تأثیر نهاد ملی دفاع از حقوق شهروندی، که در تیر ماه ۱۳۸۳ پس از تصویب توسط دولت انتشار یافت، بررسی نمود. ماده ۹۹ این لایحه تأثیر نهادی را به منظور توسعه و حمایت از حقوق شهروندی و اجرای مقررات این لایحه پیش بینی نموده بود و تمامی نهادهای حکومتی موظف بودند با این نهاد همکاری کنند. وظیفه این نهاد ملی آموزش و ترویج حقوق شهروندی، اطلاع رسانی داخلی و بین المللی در زمینه حقوق شهروندی و نظارت بر اجرای قانون حقوق شهروندی و بررسی شکایت دریافتی است.

همچنین در مجلس شورای اسلامی، موضوع ایجاد یک کمیته حقوق بشر و شهروندی با همکاری قوه قضاییه به عنوان یک نهاد مستقل صیانت از حقوق طبق موازین داخلی و اصول بین المللی پیگیری و مشروح وظایف آن تدوین شد. در واقع کمیسیون از جهت قوای مبتنی بر حقوق اسلامی است؛ اما این امر مانع از فعالیت در زمینه حقوق بین المللی بشر نیست و با الهام از تأکید اصلی منشور جهانی حقوق بشر مبنی بر حفظ کرامت ذاتی انسان با تشکیل کمیته های علمی و کمیته مراقبت و پیگیری های داخلی و خارجی، کمیته امور زنان و کمیته مشارکت های مردمی در جهت انجام وظایف و رسالت اصلی خویش در راستای اهتمام به اجرای دقیق اصول ۸ و ۱۹ تا ۴۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی مربوط به ایفای وظیفه شرعی و

قانونی نظارت همگانی و تحکیم حقوق شهروندی در پیشبرد حقوق فردی و اجتماعی شهروندان انجام وظیفه می نماید.

۳-۳- بررسی تاثیر حقوق شهروندی در ایران از قوانین بین المللی

منابع فراملی حقوق شهروندی منابع بین المللی متعددی در زمینه حقوق شهروندی وجود دارد از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی و سایر مقاوله نامه ها و کنوانسیون ها که در این مقاله به منابعی که می تواند تاثیر حقوق شهروندی در ایران از قوانین بین المللی را به خوبی توضیح دهد مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۳-۳-۱- تاثیر قانون حقوق شهروندی ایران از اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای پاسداشت از حقوق بشر و شهروندی اصول مختلفی آمده که متضمن حقوق و آزادی های مشروع ملت شده است. برای مثال در اصل ۲۲ قانون اساسی آمده که حیثیت، جان، مال، حقوق، شغل و مسکن جز در موارد خاص از تعرض مصون است یا در اصل ۲۳ آمده که تفتیش عقاید ممنوع بوده و نمی توان کسی را به صرف داشتن عقیده ای مورد مواخذه قرار داد. (ساجدی، ۱۳۹۵: ۵۴)

اما شرایط دوران بعد از انقلاب مانند شکل گیری سریع گروه ها و تشکل های سیاسی که برای انقلابیون تندرو قابل هضم نبود، جنگ تحمیلی عراق و ایران و طولانی شدن آن برای هشت سال اجازه بستر سازی برای ترویج و تحقق حقوق بشر و حقوق شهروندی را در ایران نداد. گروهی از روحانیون بر اساس نوع تفسیر خود اظهار می دارند که قانون اساسی ایران از نوع حکومت اسلامی بوده و فقط می باید احکام اسلامی در آن جاری گردد و ولی فقیه که منصوب خداوند است می باید احکام و دستورات خداوند را به اجرا گذارد. در مقابل گروه دیگر معتقدند که مردم باید از حق مشارکت در تصویب قوانین کشور که مخالف شرع نباشد، برخوردار باشند و این می تواند جامعه مدنی را در ایران به طور صحیح شکل دهد. در بین این دو، گروه دوم توانست موفقیت های زیادی کسب نماید و لایحه حقوق شهروندی را با ۱۲۰ ماده در سال ۱۳۸۳ به تصویب مجلس برساند. در مقدمه این لایحه آمده که حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و این خداوند است که انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است (ساجدی، ۱۳۹۵: ۵۴)

در منشور حقوق شهروندی ایران به حق حیات، سلامت، کیفیت زندگی، کرامت و برابری انسانی، آزادی و امنیت شهروندی، مشارکت در تعیین سرنوشت، آزادی اندیشه و بیان، تشکل، تجمع و راهپیمایی، تشکیل

خانواده، برخورداری از دادخواهی عادلانه، اقتصاد شفاف و رقابتی، مسکن و مالکیت، اشتغال و کار شایسته، رفاه و تامین اجتماعی، آموزش و پرورش، محیط زیست سالم، توسعه پایدار و اقتدار ملی اشاره شده و کسی نمی‌تواند این حقوق یا بخشی از آن را از ملت ایران سلب کند مگر به حکم قانون. حکم قانون بدین معنی است که آنچه در قانون اساسی جمهوری اسلامی در مورد حقوق بشر و شهروندی آمده ریشه در آموزه‌های قرآنی دارد و تمامی حقوق ذکر شده نمی‌بایستی با شرع اسلام در تضاد باشد (خانلری، ۱۳۸۴: ۱۷).

این حقوق توسط دولت‌های مختلف در نظام جمهوری اسلامی و اخیراً از طرف دولت یازدهم از طریق پیامک و رسانه‌ها به اطلاع مردم رسید. نکته مهم در این ارتباط این است که حقوق بشر و حقوق شهروندی تنها با پیامک کردن و چند بار ذکر آن در رسانه نمی‌تواند بسترسازی درستی برای آشنایی شهروندان به حقوقشان باشد و جنبه عملی به خود گیرد. آموزش مردم به حقوق اساسی که همانا حقوق بشر و حقوق شهروندی است، نیاز به یک برنامه‌ریزی صحیح و طولانی مدت دارد. (ساجدی، ۱۳۹۵: ۵۵)

در بند دو ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است که: «هدف آموزش و پرورش باید شکوفایی همه جانبه‌ی شخصیت انسان و تقویت رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد».

بنابراین در این بخش دیده شد که حقوق شهروندی ایران منطبق با بحث حقوق بشر بوده و تأثیراتی از این اعلامیه گرفته است.

۲-۳-۳- تأثیر قانون حقوق شهروندی ایران از میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی^۱

در این بخش و برای بررسی موضوع تأثیر قانون حقوق شهروندی ایران از میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی تلاش می‌شود تا بندهای مربوط به حقوق شهروندی در ایران با میثاق مورد نظر مورد بررسی قرار گیرند.

در ماده ۶، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی اعلام می‌دارد که زندگی از حقوق ذاتی شخص است و باید قانون آن را حمایت کند. سپس تلاشی برای ملغای ساختن مجازات اعدام دارد و هر محکوم به اعدامی حق درخواست عفو یا تخفیف مجازات دارد و حکم اعدام برای اشخاص کمتر از ۱۸ سال و زنان باردار قابل اجرا نیست. در همین مورد در ماده ۱ قانون حقوق شهروندی در ایران آمده است: «شهروندان از حق حیات برخوردارند. این حق را نمی‌توان از آن‌ها سلب کرد مگر به موجب قانون».

در ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی به حق آزادی و امنیت شخصی پرداخته شده است و هیچکس را نمی‌توان خودسرانه تفتیش یا مجازات کرد و سلب آزادی بر طبق قانون صورت می‌گیرد؛ افراد دستگیر شده باید به آنها تفهیم اتهام و در مدت زمانی معقول به جرائم آنها رسیدگی شود و هرکس از

1. International Covenant on Civil and Political Rights

آزادی محروم شود می‌تواند به دادگاه تظلم نماید و دادگاه باید بدون تاخیر رسیدگی و اظهار نظر کند و در نهایت هرکس به طور غیرقانونی بازداشت و دستگیر شده باید از او رفع خسارت شود. در همین مورد در مواد ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ قانون حقوق شهروندی در ایران به این امر پرداخته است: «آزادی‌های فردی و عمومی شهروندان مصون از تعرض است. هیچ شهروندی را نمی‌توان از این آزادی‌ها محروم کرد. محدود کردن این آزادی‌ها تنها به قدر ضرورت و به موجب قانون، صورت می‌گیرد. هر شهروندی حق دارد از امنیت جانی، مالی، حیثیتی، حقوقی، قضایی، شغلی، اجتماعی و نظایر آن برخوردار باشد. هیچ مقامی نباید به نام تأمین امنیت، حقوق و آزادی‌های مشروع شهروندان و حیثیت و کرامت آنان را مورد تعرض و تهدید قرار دهد. اقدامات غیرقانونی به نام تأمین امنیت عمومی به‌ویژه تعرض به حریم خصوصی مردم ممنوع است. شهروندان حق دارند در صورت تعرض غیرقانونی به آزادی و امنیت خود، در حداقل زمان ممکن و با نهایت سهولت به مراجع و مأموران تأمین‌کننده امنیت عمومی، دسترسی داشته باشند. مراجع و مأموران مذکور باید بدون وقفه و تبعیض و متناسب با تعرض یا تهدیدی که متوجه شهروندان شده است و با رعایت قوانین خدمات خود را ارائه دهند.»

در ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به برابری افراد در مقابل دادگاه و دیوان‌های دادگستری پرداخته و هرکس حق دارد به دادخواهی او در یک دادگاه صالح و بی طرف که طبق قانون تشکیل شده رسیدگی شود. در این ماده اشاره به اصل برائت و اینکه وقت کافی برای دفاع، انتخاب وکیل، دادرسی بدون تاخیر و زبان قابل فهم و حق سؤال از شهود و همچنین که متهم نیاز به مترجم باشد دادگاه مجاناً مترجم برای آنها انتخاب و برای متهم حق تجدید نظرخواهی در نظر گرفته شده است. در همین مورد در مواد ۵۶ تا ۶۷ قانون حقوق شهروندی در ایران این موارد را مورد بحث گذاشته و چکید این مواد بدین گونه می‌باشد که «شهروندان (اعم از متهم، محکوم و قربانی جرم) از حق امنیت و حفظ مشخصات هویتی‌شان در برابر مراجع قضایی، انتظامی و اداری برخوردارند و نباید کمترین خدشه‌ای به شأن، حرمت و کرامت انسانی آنها وارد شود. هرگونه رفتار غیرقانونی مانند شکنجه جسمی یا روانی، اجبار به ادای شهادت یا ارائه اطلاعات، رفتار توأم با تحقیر کلامی یا عملی، خشونت گفتاری یا فیزیکی و توهین به متهم یا محکوم، نقض حقوق شهروندی است و علاوه بر این که موجب پیگرد قانونی است، نتایج حاصل از این رفتارها نیز قابل استناد علیه افراد نیست.»

با بررسی این مواد قانونی دیده می‌شود که حقوق شهروندی در ایران متأثر از قوانین بین‌المللی از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی می‌باشد؛ البته لازم به ذکر است که مواد دیگری از این قوانین نیز وجود دارد که سعی بر این بود تا خلاصه‌ای از مهمترین موارد ارائه گردد.

۲-۳-۳- تأثیر قانون حقوق شهروندی ایران از اعلامیه اسلامی حقوق بشر^۱

در این بخش نیز برای بررسی موضوع تأثیر قانون حقوق شهروندی ایران از اعلامیه اسلامی حقوق بشر تلاش می‌شود تا بندهای مربوط به حقوق شهروندی در ایران با اعلامیه مورد نظر مورد بررسی قرار گیرند. در ماده ۱ اعلامیه اسلامی حقوق بشر آمده است: حق حیات را عطیه خداوندی می‌داند و همه دولت‌ها باید از این حق انسانها در مقابل تعدیات دفاع کنند. در همین مورد در ماده ۱ قانون حقوق شهروندی در ایران آمده است: شهروندان از حق حیات برخوردارند. این حق را نمی‌توان از آن‌ها سلب کرد مگر به موجب قانون.

در ماده ۲ اعلامیه اسلامی حقوق بشر آمده است: از حق برخورداری انسان‌ها از بهداشت و خدمات اجتماعی نام برده شده است و دولت‌ها را مکلف به فراهم ساختن وسایل عمومی و بهداشت نموده است. در همین مورد در ماده ۲ قانون حقوق شهروندی در ایران آمده است: شهروندان از حق زندگی شایسته و لوازم آن همچون آب بهداشتی، غذای مناسب، ارتقای سلامت، بهداشت محیط، درمان مناسب، دسترسی به دارو، تجهیزات، کالاها و خدمات پزشکی، درمانی و بهداشتی منطبق با معیارهای دانش روز و استانداردهای ملی، شرایط محیط زیستی سالم و مطلوب برای ادامه زندگی برخوردارند.

در ماده ۴ اعلامیه اسلامی حقوق بشر آمده است: بازداشت کردن بدون مجوز شرعی، مقید ساختن آزادی و مجازات نمودن فرد منع شده و هیچکس را نمی‌توان مورد شکنجه جسمی و روحی قرارداد و هر نوع اذیتی که موجب ذلت و قساوت که مخالف کرامت ذاتی انسان است غیرمجاز شناخته شده است در همین مورد در ماده ۶۴ قانون حقوق شهروندی در ایران آمده است: بازداشت شدگان، محکومان و زندانیان حق دارند که از حقوق شهروندی مربوط به خود از قبیل تغذیه مناسب، پوشاک، مراقبت‌های بهداشتی و درمانی، ارتباط و اطلاع از خانواده، خدمات آموزشی و فرهنگی، انجام عبادات و احکام دینی بهره‌مند باشند.

در ماده ۵ اعلامیه اسلامی حقوق بشر آمده است: حق انسان از استفاده محیط پاک تأکید شده است و حق حیات شامل همه موجودات اعم از انسان و سایرین اعلام شده است. در همین مورد در ماده ۸ قانون حقوق شهروندی در ایران آمده است: اعمال هرگونه تبعیض ناروا به ویژه در دسترسی شهروندان به خدمات عمومی نظیر خدمات بهداشتی و فرصت‌های شغلی و آموزشی ممنوع است. دولت باید از هرگونه تصمیم و اقدام منجر به فاصله طبقاتی و تبعیض ناروا و محرومیت از حقوق شهروندی، خودداری کند.

در ماده ۶ اعلامیه اسلامی حقوق بشر به کرامت انسانی توجه شده و همه افراد بدون تفکیک از جهت نژاد، زبان، اقلیم و... مساوی شناخته شده‌اند. البته در خصوص کسانی که کرامت خود را مخدوش کرده‌اند

تفاوت‌های وجود دارد. در همین مورد در ماده ۷ قانون حقوق شهروندی در ایران آمده است: شهروندان از کرامت انسانی و تمامی مزایای پیش‌بینی شده در قوانین و مقررات به نحو یکسان بهره‌مند هستند.

ماده ۹ اعلامیه اسلامی حقوق بشر امنیت دینی، جانی، خانوادگی و ناموس هر فرد مورد تأکید قرار گرفته است و امتیازات دینی منحصر به مسلمین، مسیحیان، کلیمیان، زردشتی و صابین شناخته شده است. در همین مورد در ماده ۱۱۸ قانون حقوق شهروندی در ایران آمده است: شهروندان حق دارند از امنیت، استقلال، وحدت، تمامیت ارضی و اقتدار ملی برخوردار باشند.

با بررسی این مواد قانونی دیده می‌شود که حقوق شهروندی در ایران متأثر از قوانین بین‌المللی از اعلامیه اسلامی حقوق بشر نیز می‌باشد؛ البته لازم به ذکر است که مواد دیگری از این قوانین نیز وجود دارد که سعی بر این بود تا خلاصه‌ای از مهمترین موارد ارائه گردد.

۴. نتیجه‌گیری

حقوق شهروندی جز حقوق ذاتی و طبیعی انسان‌هاست و کسی نمی‌تواند این امتیاز یا بخشی از آن را اعطا و یا حذف نماید. حقوق شهروندی، حقوقی هست که انسان به صرف انسان بودن و نه به دلیل موقعیت خاص یا ویژگی خاص دارا می‌باشد. به عبارتی حقوق شهروندی، حق مسلم تمامی افراد فارغ از نژاد، رنگ، جنس، زبان و مذهب است. پس به سبب ارزش‌های مساوی و یکسان و کرامت ذاتی انسان می‌توان این حق را جهان‌شمول دانست.

مقوله حقوق شهروندی زمانی به درستی تحقق می‌یابد که اکثریت اعضای آن جامعه و یا کشور آشنا به حقوق مدنی، اقتصادی و سیاسی خود بوده و حکام کشورها نتوانند ملت‌ها را از بخش و یا کل این حقوق محرم نمایند. با شناخت بیشتر حقوق شهروندی انسان‌ها نه تنها می‌توانند به امتیازات برابر بیشتری برسند بلکه با ایجاد احساس مسئولیت و تکالیف در برابر یکدیگر کمک بزرگی به ایجاد بیشتر عدالت در جوامع مختلف در جهان می‌کنند. در این راه آموزش و تربیت شهروندی در دوره‌های آموزشی باعث می‌گردد تا شهروندان آگاه‌تر و مسئولیت‌پذیرتر شوند. آموزش حقوق شهروندی در کشورهای توسعه یافته از دوره دبستان تا دانشگاه‌ها صورت می‌گیرد و این دوره‌های تربیتی و آموزشی سبب می‌شود تا درک و شناخت شهروندان نسبت به حقوق و مسئولیت خود در مقابل جامعه بیشتر شود. به عبارتی این آگاهی‌ها سبب مسئولیت‌پذیری بیشتر و مشارکت گسترده‌تر در برنامه‌های گروهی و اجتماعی می‌شود.

بنابراین از مجموع مباحث صورت گرفته در این مقاله می‌توان چنان نتیجه گرفت که با بررسی قوانین بین‌المللی و حقوق بشری نسبت به حقوق شهروندی در ایران می‌توان گفت که قوانین حقوق شهروندی در ایران در اکثر موارد منطبق با قوانین بین‌المللی بود و از آنها تأثیر گرفته‌اند.

فهرست منابع و مآخذ

- آقا بخشی، علی (۱۳۸۹)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: چاپار
- احمدی طباطبایی، محمد رضا (۱۳۸۸)، حقوق شهروندی با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه خط اول رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۸
- بشریه، حسین (۱۳۸۶)، آموزش دانش سیاسی، تهران: نشر نگاه معاصر.
- حسینی، مجید (۱۳۸۵)، حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز.
- خانلری، عبدالرضا (۱۳۸۴)، مجموعه قوانین و مقررات حقوق شهروندی، قم: نگین.
- دیلم صالحی، بهروز (۱۳۹۳)، تحول مفهوم شهروندی در فرایند جهانی شدن، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۲۹
- رضایی پور، آرزو (۱۳۸۵)، حقوق شهروندی، تهران: نشر آریان.
- رضانی، جواد (۱۳۸۹)، آشنایی با حقوق و تکالیف شهروندی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات معاونت توین
- روشن، بیروند (۱۳۹۳)، حقوق شهروندی، پیشینه و جایگاه آن در مناسبات پلیس، فصلنامه علمی - ترویجی بصیرت و تربیت اسلامی، شماره ۳۰
- ربانی خوراسگانی، علی، کیانپور، مسعود (۱۳۸۶)، مکاتب علمی و دیدگاه های نظری در باب حقوق شهروندی، مقالات برگزیده همایش حقوق شهروندی، مرکز مطبوعات و انتشارات اداره کل اجتماعی و فرهنگی قوه قضائیه
- ساجدی، امیر (۱۳۹۵)، حقوق بشر و حقوق شهروندی از نگاه دولت های اسلامی خاورمیانه با تاکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، علوم سیاسی، شماره ۳۶.
- شیروانی، رضا (۱۳۸۸)، حقوق بشر در اسلام، شیراز: دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز.
- صدر افشار، غلامحسین (۱۳۸۱)، فرهنگ فارسی امروز، تهران: فرهنگ معاصر
- موسوی بجنوردی، سیدمحمد (۱۳۹۲)، حقوق شهروندی از نگاه امام خمینی، پژوهشنامه متین، شماره ۶۱
- محسنی، عبدالله (۱۳۹۴)، نقد مبانی حقوق شهروندی لیبرالی با تکیه بر جایگاه مردم در نظام حقوقی اسلام، فصلنامه حقوق عمومی، شماره ۶
- نوابخش، مهرداد (۱۳۸۵)، بررسی شهر و شهروندی از دیدگاه جامعه شناسی، مجله جامعه شناسی، شماره ۵
- هیوود، اندرو (۱۳۹۳)، مقدمه نظریه سیاسی، مترجم: عالم عبدالرحمن، تهران: نشر قومس
- هاشمی، سید محمد (۱۳۸۴)، حقوق بشر و آزادی های اساسی، تهران: میزان

